

دانلود مقاله مباني نظري تحقيق ورزش و بزهكاري

جهت مشاهده [دانلود مقاله مباني نظري تحقيق ورزش و بزهكاري](#) به پايين همين صفحه مراجعه نماييد

تعداد صفحات : 16 صفحه



مباني نظري تحقيق ورزش و بزهكاري

زمينه تئوريك

هدف استفاده از يك چهار چوب تئوريكي آنست كه محقق از مطالعه دانشمندانى كه در اين زمينه كار و تعمق کرده اند كمك بگيرد و بر اساس مطالعه آنها بداند كه در تحقيق مورد نظرش دنبال چه متغيرها و فرضيه هاى بايد باشد ، بنابر اين چهارچوب تئوريكي كمك مى كند كه مسئله و ابعاد آن تجزيه شود و ارتباط بين اجزا (يعنى ساخت مسئله) مشخص و حدود مسئله تعيين گردد. (رفيع پور ، ۱۳۷۲ ، ص ۵)

مفهوم ، وجودهاي اعتباري هستند كه انسانها براي بيان نيازهاي خود و همچنين ايجاد ارتباط با ديگران به كار مي برند ، مفاهيم در حكم رمزها و علائمي هستند كه انسانها و فرهنگ خاص بر اشياء و يك سلسله اعمال و ... اطلاق مي كنند . اينها در مجموعه فرهنگ يك گروه و جامعه به عنوان زير ساختها يا زيرساز روابط انساني تلقي مي شوند . شناخت زير ساختهاي يك گروه و جامعه اين امكان را به ما مي دهد كه تبادل فرهنگي و انساني با آن گروه داشته باشيم ، بدين جهت شايد بتوان گفت كه مفاهيم بخشي از هر فرهنگي است ، لذا شناخت مفاهيم شناختن فرهنگ حاكم بر آن صنف و جامعه را تسهيل مي كند .

باز سازي و اصلاح هر فرهنگ از بازسازي و احياء مفاهيم اصيل و مورد پسند آغاز مي شود . همچنين توسعه فرهنگي از تبين دقيق مفاهيم مورد استفاده روز آن جامعه ناشي مي شود ، خصوصاً وقتي مفاهيم عنصرى رنگ يافته از مجموعه عقايد حاكم بر آن مردم باشد . در اين صورت مفهوم هويتي از خود ندارند آنچه هست محتويات بينشي ارزش و فرهنگي كه در محدوده آن رسوب کرده است .

بنابر اين مسئوليت تحول فرهنگي و اصلاح فرهنگي را تبين صحيح مفاهيم در چار چوب اعتقاد و فرهنگ مورد نظر به عهده دارد. (همان ، ص ۸)

پژوهشگر متعهد بايد در پي يافتن محتوي مناسب مفاهيم اساسي در ورزش باشد « در ضمن نياستي كلي گوئي نمود چرا كه اگر چنين كنيم حق مطلب را ادا نموده ايم ، چرا كه هدف آنست از طريق تعريف هاي مورد بررسي ، تئوري متغيرهاي مورد بررسي و ارتباط بين آنها مشخص شوند .»

براي شروع بحث به تعريف مقدماتي نياز داريم ، نخست به معنای دقيق تعريف Definition بايد روشن شود و سپس به تحولي كه ورزش از آغاز و در طول حيات خود داشته است اشاره مي كنيم .

تعریف، مجموع تصورات معلومی است که موجب کشف تصویری مجهول یا موجب تحلیل تصویری معلوم شود. و یا « جریانی است که طی آن معنی و فضای مفهوم يك واژه به وسیله صفاتی مشخص بر مبنای قواعدی خاص تعیین می گردد ». (متغیر وابسته و مستقل را تعریف می کنیم)
سابقه یا پیشینه تحقیق

رابطه ورزش با بزهکاری، زمینه ای است که کمتر بدان توجه و مورد پژوهش قرار گرفته است و اگر هم تحقیقاتی صورت گرفته است بیشتر به عنوان جداگانه و ورزش به عنوان متغیر وابسته یکی از عوامل و متغیرهایی بوده است که موثر و از راه حل های پیشنهادی بوده برای پر کردن اوقات فراغت و جلوگیری از بزهکاری و انحرافات که در اکثر پایان نامه های تحصیلی که در مورد بزهکاری و انحرافات تحقیق کرده اند ورزش یکی از راههای جلوگیری از بزهکاری بوده است.

اما تمام توجه اینجانب بر عکس اکثر تحقیقات و پژوهش ها بوده است و ورزش را به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفتم و با توجه به سؤال تحقیق تعاریف کاملی از ورزش را ارائه دادم، رابطه ورزش با بزهکاری زمینه ای است که هنوز نیازمند تحقیقات و پژوهش های پیگیری است تا ماهیت این رابطه روشن شود و ابعاد و عوامل موثر در آن شناسایی گردد.

اما به طور کلی می توان گفت حداقل دو رهیافت وجود دارد که به فهم رابطه میان ورزش و بزهکاری کمک می کند:

رهیافت اول: جبران و ارضای نیازهای روانی اجتماعی که در گزارش هاریکتون (۱۹۶۸) اشاره شده است که اعمال و رفتار جوانان تشویق گر و هوادار فوتبال بیانگر وجود رفتارهای ناهنجار و بلکه در بسیاری از اوقات منحرف، کمداشت ثبات عاطفی و ناهشیاری می باشد. مساله انحراف، به ویژه انحرافات که به بعد اخلاقی مربوط می شوند در آثار مارش، راسر (۱۹۷۸) و کمبل (۱۹۸۲) از دیدگاه روان شناسی اجتماعی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته اند.

کوهن (۱۹۷۲) به ظهور موج های انحراف جوانان حرفه ای یا بزهکار، نظیر مودها و روکرها، در دهه شصت اشاره کرده و ك. ف. کرادا پولوف دانشمند تربیت بدنی اهل شوروی نیز گفته است: (این دستکش های چرمی را هاله رماتیک خیره کننده ای فرا گرفته است، موفقیت های ورزشی بر روی رینگ بوکس اغلب نوجوانان را به خود جذب می کند بندرت می توان نوجوان برنا و تندرستی را یافت که نخواهد يك بوکسور شود)

وینبرگ و آرون (۱۹۵۲) به پناه بردن بزهکار به بوکس به عنوان نمادی از جبران و فرصتی برای تحرك اجتماعی و رسیدن به مرحله بوکس حرفه ای اشاره کرده اند و...

رهیافت دوم: اصلاح و تربیت

رهیافت دوم بر این فرض استوار است که تا زمانی که ورزش مورد توجه و علاقه چشمگیر نوجوانان بزهکار یا منحرف باشد چرا نباید آن را در جهت درمان و توانبخشی اجتماعی به کار گرفت، زیرا محیطی که در آن فعالیت های ورزشی تحت يك رهبری آگاه انجام می گیرد در حقیقت يك محیط اصلاحی و ارشادی برای تربیت و سازندگی نوجوانان و تغییر و تعدیل رفتارهای آنان متناسب با ارزش ها و هنجارهای جامعه او می باشد.....

در تحقیق سهیرا المهندس (۱۹۷۸) نتایج آزمایش نشان داد که پرداختن به ورزش در برخی از جنبه های شخصیت نوجوان مانند اعتماد به نفس و احساس آزادی و ورزش و پیوند جویی او تاثیر مثبت می گذارد.

ورزش يکي از شکلهاي پيشرفته پديده حرکت در انسان است. از نظر لغوي اسم مصدر بوده و به معنای « ورزیدن» و برزیدن مصدر آن يعني کار کردن، عمل کردن، کوشیدن ، پياپي انجام دادن و رياضت کشیدن است، (خلجي ، ص ۴۶) معادل کلمه ورزش در زبان انگلیسی و فرانسه sport است و در لاتین Diport و ریشه لغوي آن Diport و ریشه لغوي آن Dis Diport به معنای دگرگونی و تغییر است. (الخولي : ۱۳۸۱ ص ۲۲)

اما آنچه که خود عقیده داریم ، ورزش راهي براي سالم سازي تن و روان است، شماری از حرکات مرتب و منظم و مستمر پسندیده فردی و جمعی در طول زندگی بشر است ، موجب به ورزی و بهروزی و بسوی کمال رسیدن به روشی که استعدادهاي نهفته انسانی را هویدا نموده و هدف آن پیشرفت کمالات انسانی و خود سازي ، پلي براي رسیدن به رشد خصلتهای پهلواني ، بزرگواری ، جوانمردی و ارتقا توان جسمی می باشد . (درویش، ۱۳۷۳: ص ۲۱)

ورزش فرهنگی در اصل يك بازدارنده نیرومند است ، ورزشي ناب که از انگارههاي موجود بیرون است و تنها در ذات خود متجلی می شود و اگر بخواهیم فهمی درست از آن داشته باشیم باید از ورزش به معنای ورزیدن و کوشیدن آغاز کنیم که در این معنا است که موجی نو آغاز می شود ، آن مصرف انرژی که باعث تکامل تن و روان می شود که ضد تباهی ، ضد ناتوانی ، ضد ناهنجاری ، ضد سستی و نادانی و جهل است و همچنانکه حکیم فرزانه توس در شاهنامه می گوید:

زنیرو بود مرد را راستي زسستي کزي آيد و کاستي

توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

و شکرانه بازوي توانا بگرفتن دست ناتوان است.

ژان ژاک رسو (فرانسوی) و جان لاک انگلیسی در آثار خود بر اهمیت بازی اشاره می کنند و برای آن ارزشهای آموزشی قایل می شوند ، رسو در اثر تربیتی خود به نام امیل می نویسد که در پرورش کودک باید از همان قوانینی پیروی کرد که طبیعت برای ادامه حیات و رشد قوای جسمی و روحی به کار می رود .

فردریک شیلر (آلمانی) معتقد است که انسان از راه ورزش کردن ، که آمیخته به مقررات است ذیشعور بودن خود را اثبات می کند ، و فعالیتهاي بدنی و بازی کودکان مبنای زیستی دارد و انگیزه اصلی را انرژی اضافی در انسان می داند .

هربرت اسپنر (انگلیسی) تمایل به پیروز شدن را چون غریزه ای می داند که آیا کودکانی که در حال بازی تفننی و یا والیبال ، به فعالیت اشتغال دارند ، حتی اگر فعالیت آنها با بازی حرفه ای خیلی تفاوت داشته باشد نیز ورزشکارند؟

همچنانکه تعریف شد ورزش مستلزم به کارگیری مهارتهای جسمانی و توانایی و نیروی شدید جسمانی است این اصطلاحات بخشی از طیف گسترده ای هستند که باعث می شوند گاهی تشخیص مهارتهای جسمانی و غیر جسمانی شرایط حرکتی پیچیده و ساده و همچنین فعالیتهاي شدید و غیر شدید و مهارتهای جسمانی پیچیده به عنوان ورزش قابل طبقه بندی نیستند، هنگام طبقه بندی باید محیط و موقعیتی که فعالیت جسمانی در آن به وقوع می پیوندد مورد توجه باشد. (خلجي ، ۱۳۶۸ ، ص۴۷)

ورزش چیست و ورزشکار کیست

هر کسی ورزش کرد ورزشکار نبوده است . زیرا در فرهنگ ما ورزشکار را حرمتی شگرف آمده است . و این واژه دلالت بر آدمی می کند که ورزش کرده یا می کند ، از ورزش شرف گرفته و شریف شده است ، ورزش ما

راه به معبد داشته و هاله قدسي گرفته است و حرمت از نام مولاي متقيان گرفته و اين غير از رکود شکنی، مدال گيري و کرسی نشيني و مانند اينهاست ، ورزشکار را نبايد از روي درجات ورزشي رده بندي کرد .

حق اينست که از روي کمالات انساني درجه بندي کنيم ، کسی را ورزشکار مي ناميم که صفات راستي ، درستي ، شرافتمندي ، عزت نفس ، بزرگواري را دارد ، واژه ورزشکار ما به يقين و دقيق ، افلاکي است و از آن ديگران، خاکي است ، تلفيق فرهنگي در درازاي زمان روي دو جنبه ياده شده ، يعني شرافت و تقدس ، چنان کارگر شده که در ذهن هر يك از مردم اين سرزمين احترام به ورزشکار با شنيدن نام او يا کلمه ورزشکار نوعي تداعي خود بخودي است ، همينکه مي شنوي فلاني ورزشکار است به ذهنت مي رسد که جوانمرد، شرافتمند، بزرگواري، بخشنده، بلند نظر و فروتن و ... هم است. حيف است ، دريغ و افسوس است که بدکاران گرچه ورزش نيز کرده باشند خود را ورزشکار بنامند و خود را در پناه قداست اين واژه پنهان نموده و زشتکاري کنند .

يکي از شرط هاي مهم ورزشکاري آزادگي است ، آزاده بايد از قيد شهرت رها باشد ، از بندي که دوستي ها و زد و بندها ، به گردنش مي افکند ، آزاد باشد .

راه راست ورزشکاري از کوچه عدالت عبور مي کند، در اين کوچه رسم بزرگ، رسيدن حق به حقدار است روح ظلم ستيزي ورزشکار ، پهلوان و جوانمرد از همين کوچه مي گذرد و پرورده مي شود در مرام ورزشکاري « ظلم سرنگون مي شود تا عدل جاي او نشيند » ظلم براي آنکه ضد عدل است مذموم و ستردني مي شود . از اينجا راه ورزشکار از راه عامه جدا مي شود . او از آزادگي صعود کرده به آزادي خواهي مي رود که رسالت اندیشه به ديگران و بشریت و معيارهاي انسانيت از آزادي خواهي و عدالت جوئي متجلي مي شود اين صفات ، اين خلق ها ، اين آيينها، اين سيره ها و پندارها بوده که ورزشکاران را آفرين و واژه ورزشکاري را در ذهن فرهنگي عامه عزيز و شريف ساخته است .

هر ورزشکاري ورزشکار نيست

بهرتر است گفته شود هر کسی که ورزش مي کند ورزشکار نيست ، بلکه ورزشکار کسی است که آيين ورزشکاري را مقدمه جوانمردی و راه پهلواني به باور جان گرفته باشد .

گفتار ، کردار و پندارش در اين آئين متجلي و متبلور شود و گرنه داشتن يال و کوپال ، دليل ورزشکاري نيست ، زور دارد ولي توانمند نيست که :

توانا و دانا و داننده اوست خرد را و جان را نگارنده اوست

توانايي از صفات ايزد يکتاست ، زور چون به راه آيد و در آيين ورزشکاري و جوانمردی حرکت کننده سوي توانمندی ياتوانايي ميل مي کند که از صفات حميده است.

پس : هر گروي گرد است ولي گردو نيست .

آدم اگر زورمند ولي توانا نباشد اسير است .

آدم اگر پير شود ولي روشن ضمير نشود کور باطن است ، يعني پير شده ولي به جايگاه پيران نرسیده است . بساط ورزش بايد بساطي باشد که در راه پرورش ورزشکار و تعميم رسم ورزشکاري گسترده شده و صلاحيت داشته باشد اگر ما همه چيز داشته باشيم ولي نتوانيم ... ورزشکار بپروانيم ، ترديد نکنيد که ورزش نداريم . اگر در مسابقه اي حرکتی زشت از ورزشکاري سر زند همگان متاثر مي شوند ، پس زشتي باب طبع مردم ورزشي نيست ، کما اينکه باب طبع مردم معمولي نيز اين واکنش اثر دير پاي فرهنگ انسان ساز ايراني است . (کيهان ورزشي، ۱۹/۲/۷۱)

جامعه ورزش بايد بداند ورزشکار کيست ؟

نه هر که چهره بر افروخت دلبري داند نه هر که آينه سازد سکندري داند

نه هرکه طرف کله کج نهاد و تندنشست کلاه‌داري و آيين سروري داند

هزار نکته باريکتر ز مو اينچاست نه هر که سر بتراشد قلندري داند

موقعيت ها

موقعيتهايي که فعاليت جسماني در آنها انجام مي شود ، طيف وسيعي دارد که از موقعيتهاي غير رسمي و بدون ساختار تا موقعيت هاي رسمي و داراي ساختار قابل طراحي هستند . مثلا ماهيت بازي غير رسمي و تفنني بسکتبال در زمين بازي را با بازي منظم و رسمي بين دو تيم حرفه اي مقايسه کنيد ، افراد درگير در اين دو وضعيت ، بسکتبال بازي مي کنند ولي ماهيت ، نتايج و پيامدهاي اين بازيها متفاوت است ، بنا بر اين سئوالي که پيش مي آيد اين است که آیا هر دوي اين گروهها مشغول ورزش هستند ؟

زمانی که جامعه شناسان ورزش ، درباره ورزش بحث مي کنند . اغلب فعاليت جسماني رقابتي رسمي و سازمان یافته را در نظر دارند ، با توجه به اين دیدگاه ، گروهی که بازي بسکتبال به صورت غير رسمي انجام دهند ، مشغول ورزش نیستند . بنا بر اين از نقطه نظر جامعه شناسي ورزش شامل فعاليت جسماني رقابتي سازمان یافته و نهادينه شده است .

جامعه شناسان ، نهادينه شدن را ، دوام ، الگوهاي استاندارد شده و يا مجموعه‌اي از رفتارهاي که براي مدتي از موقعيتي به موقعيت ديگر ادامه يابد ، بنا بر اين هنگامی فعاليت جسماني ورزش قلمداد مي شود که نهادينه و يا رسمي باشد، يك فعاليت زماني نهادينه مي شود که قوانين حاکم بر فعاليت استاندارد و تقويت شده باشند و سازماندهي و جنبه هاي تکنیک فعاليت (استفاده از کارشناسان براي آموزش) مورد تاکيد قرار گيرد . (مباني تربيت بدني، خلجي، ۱۳۶۸، ص ۴۷)

محرکهاي شرکت در اجرا

تحقق ورزش بستگي به حفظ تعادل بين انگيزه هاي دروني و بيروني دارد . هنگامی که رضایت دروني به همراه علاقه بيروني براي پاداشهاي مادي (پول، مدال، ...) وجود داشته باشند ورزش به وقوع مي پيوندد اين تعادل همیشه به صورت برابر نیست . ولي وقتي یکی از منابع انگيزشي به طور چشمگيري از ديگري پيشي مي‌گيرد، در تجارب شرکت کننده و در ماهيت فعاليت نیز تغييراتي رخ مي‌دهد. وقتي که انگيزش دروني شرکت کننده غالب است . سازمان وساختار فعاليت جسماني به صورت يك بازي در مي آيد و هنگامی که انگيزش خارجي شرکت کننده مثل پول ، مدال ، برتري داشته باشد

، فعاليت جسماني از ورزش به مقوله اي چون نمايش و يا کار و شغل تغيير پيدا مي کند . قابل توجه است که در طی ورزشها تعدادي ، منابع انگيزشي بين انگيزش بيروني و دروني در حال تغيير است ، در يك لحظه شرکت کنندگان به پيگيري عمل جذب مي شوند و پس از فعاليت احساس رضایت مي کنند و در لحظات بعد ممکن است با ميل به بيروزي ، مدال ، تشويق و ستايش تماشاگران برانگيخته شوند و روح بازي با ميل به کسب پاداشهاي بيروني جايگزين شود .

ورزش متکي بر تواناييها و قابليت‌ها و امکانات بدني و حرکتی است و نتیجه به کارگيري درست و اصولي داده هاي جسم انسان است ، در حالي که شيوه هاي کنترل اجتماعي ، فرهنگي در بسترهاي فعاليت صورت مي گيرد. (همان ، ص ۴۷)

بازي (play)

بازي يك پديده طبيعي و سرشتين است که ابعاد مهم رواني و اجتماعي خاص خود را دارد .

زيمل (simmel) بازي را فرايندي براي آماده ساختن کودکان جهت ايفاي نقشهاي بزرگسالان به شمار مي آورد ، وبر (Weber) به رواج بازي در طول تاريخ انساني اشاره مي کند ، اين هر دو نفر به مفهوم بازي به عنوان مجموعه اهدافی که غالبا حس آنها را رهبري مي کند ، تاکيد مي ورزند .

مورخ هلندي ، هويزينگا (Huizinga) به بررسی مفهوم بازي از دیدگاه اجتماعي پرداخته و در تعريف آن گفته

است : بازی عبارت است از هر گونه فعالیت آزاد که با آگاهی کامل، در بیرون از محیط زندگی عادی انجام گیرد و این خصوصیات

را داراست .

۱- غیر جدي است .

۲- با علايق مادي پیوند ندارد.

۳- در حدود و مرزهاي متناسب با خودش محدود است .

۴- طبق قواعد مشخص انجام مي گیرد .

کایوا (Caillois) در توصیف و تعریف بازی این شرایط را می گنجانند .

فرد آزاد و مستقل باشد .

پای بند به قیود خاصی نباشد .

رسیدن به نتیجه خاصی را دنبال نکند .

از قواعد از پیش مشخص شده ای تبعیت نکند .

به طور کلی ، در زمینه بازی دو گروه از نظرات روان شناسی اجتماعی وجود دارد يك نظریه به بازی به عنوان

پدیده ای سازنده نگاه می کند، یعنی بازیکنان را برای گونه های دیگری از سازگاری آماده می کند ، نظریه دوم

تعبیری یا بیانی است و به بازی به مثابه ابزاری برای تعبیر و بیان نیروهای اساسی زندگی می نگرد .

(الخولي، ۱۳۸۱، ص۲۵)

بعد اجتماعی بازی

از دیدگاه اجتماعی ، بازی یکی از راههایی به شمار می آید که جامعه برای کودکان فراهم می آورد تا

استعدادها و تواناییهای درونی خود را کشف کنند، به گونه ای که این استعدادها و تواناییها در شکل اجتماعی و

فرهنگی صحیح کنترل و هدایت شوند . کودکان از طریق بازی شناخت و اطلاعات قابل ملاحظه ای بویژه در

خصوص محیط بازی و ابزارها و شرایط آن به دست می آورند و بدین سان ، بازی در شکل دهی به جنبه های

شناختی و مفاهیم ذهنی کودک ایفای نقش می کند .بازی برخوردار از ویژگی حرکتی ، تواناییهای بدنی و

مهارتهای حرکتی فراوان را به کودک می دهد و در نتیجه دایرة ثروت حرکتی او گردش می یابد به گونه ای که

کودک الگوهای حرکتی فراوانی را فرا می گیرد که به او آزادی حرکتی می بخشد و قابلیت و توانایی ادراکات

حرکتی اش را بالا می برند .

پدیده بازی از دیرباز روشی برای برقرار کردن ارتباط اجتماعی بوده است ، کودک از طریق بازیهای گوناگون ،

بویژه بازیهایی که در گروههای کوچک انجام گیرد. مهارتهای ارتباط اجتماعی را کسب می کند و از این رهگذر

مساله بازی نقشها را می فهمد و نقش بزرگترها را بازی می کند و می کوشد تا از این نقشها تقلید کند .

کودک از خلال مشارکت با کودکان هم سن و سال خود در بازی ، ارزشهای پذیرفته شده اجتماعی را می آموزد

و به مفهوم داد و ستد و احترام نهادن به مالکیت شخصی و خصوصی پی می برد وبتدریج از خود محوری و

خودگرایی دست می کشد و با محیط اطراف سازگاری نشان می دهد و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی آن را

می پذیرد .

بازی روش اجتماعی خوب و پذیرفته ای است برای این که کودک از طریق گفتار با فعالیتهای حرکتی ، خود را

نشان دهد و احساسات درونی خویش را بیان کند. بسیاری از اوقات مشاهده می شود که کودکان در حین

بازی صداها یا حرکتهای برخی حیوانات و پرندگان را تقلید می کند . گرچه ممکن است کار در چارچوب آهنگین

یا موسیقایی ساده ای صورت گیرد . اما در راستای احیای واکنش یا آزادسازی تمایلات سرکوب شده یا

درزمینه جبران هرچند در عالم وهم و خیال ارزش بیانی و اجتماعی مهم و خاص خود را دارد . (همان، ص۲۷)

برای دریافت اینجا کلیک کنید

مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله دربارهٔ واژگان ورزش نوبن در زبان فارسی](#)
- [دانلود مقاله ورزش های سنتی و نقش آنها در آینده ورزش](#)
- [دانلود مقاله ژیمناستیک رتتمك](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترینس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ، ایران](#)
- [گت بیبر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)